

آزاداندیشی و تمدن نوین اسلامی

حبیب زمانی محجوب

استادیار و مدیر گروه تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

Email: zamani1358@Gmail.com

چکیده

یکی از مهم ترین مقولاتی که معرکه آراء اندیشمندان و سیاستمداران می باشد، آزادی و آزاداندیشی است. با مروری بر تاریخ تمدن اسلامی به تأثیر آزاداندیشی بر رونق تمدن اسلامی، در سده های اوج آن، پی می بریم. داعیه این نوشتار این است که برای طراحی تمدن نوین اسلامی نیز بایستی به این مقوله توجه جدی شود و زمینه های تحقق آن در عرصه های گوناگون فرهنگی و علمی فراهم شود. چرایی و چگونگی این امر مسئله ای است که این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخگویی به آن می باشد.

در پژوهش حاضر، که پژوهشی میان رشته ای با رویکرد تاریخی است، اطلاعات مورد نیاز مرتبط با آزاداندیشی، با روش کتابخانه ای و اسنادی، گردآوری، و سپس نسبت آن با تمدن اسلامی مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته و در نهایت موانع آزاداندیشی و راهکارهای برون رفت از آن ارائه گشته است.

واژه های کلیدی: آزاداندیشی، تمدن اسلامی، پیشرفت، آزادی، نقد.

مقدمه

آزادی و آزاداندیشی^۱ از موضوعات مهمی است که بررسی تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی بسیاری از شبهات و مسائل فرهنگی در این باره را پاسخ خواهد داد.

آزاداندیشی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه برآمده از انقلاب اسلامی است و بی‌توجهی به آن یکی از تهدیدهای پیش روی نظام جمهوری اسلامی است. [1] امام خمینی (ره) یکی از مؤلفه‌های برتری تمدن اسلامی بر تمدن غرب را همین آزاداندیشی می‌داند. ایشان پس از نقد تمدن انحرافی غرب می‌فرماید: «تمدن صحیح در اسلام است چنانچه حریت صحیح در اسلام است.» [2] آزاداندیشی در اندیشه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نیز نه یک شعار گذرا بلکه استراتژی انقلاب اسلامی در دهه چهارم (دهه پیشرفت و عدالت) می‌باشد. [3] در فرایند پنج‌گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی، و امت و تمدن اسلامی)، که مقام معظم رهبری نخستین بار ۲۴ مهر سال ۱۳۷۹ در جمع دانشجویان و دانشگاهیان استان کرمانشاه بیان فرمود، الآن در مرحله دولت اسلامی، و در آستانه ورود به مرحله چهارم، یعنی کشور اسلامی، هستیم [4]، مرحله‌ای که در آن بسیاری از ساختارها و سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی و ...، که در مراحل قبلی اصلاح نگردیده است، تغییر خواهد کرد و باید بر اساس اصول اسلامی بازتعریف شود. انجام مؤثر و صحیح این تغییرات نیاز به تدوین الگویی کامل، جامع و دقیق برای پیشرفت کشور است؛ تولید علم مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیاز برای تدوین چنین الگویی است که ما را برای تمدن نوین اسلامی آماده می‌کند، و این امر محقق نمی‌شود مگر با آزاداندیشی. در واقع، آزاداندیشی راه ورود دوباره به جاده تمدن اسلامی است. [5]

در این مقاله برآنیم پس از بیان مفهوم آزاداندیشی و اهمیت و ضرورت آن، موانع آزاداندیشی و راهکارهای حل این موانع را بررسی و تبیین نماییم.

مفهوم آزاداندیشی

آزاداندیشی فکرکردن بدون قید و بند و روشی منسجم و هماهنگ برای درست‌اندیشیدن است؛ ازاین‌رو، یکی از پیش-شرط‌های تعقل محسوب می‌شود و برهمن اساس، برخی آن را یک مکتب خوانده‌اند. [6]

منظور از آزاد بودن در ترکیب آزاداندیشی آزادی به مفهوم سیاسی نیست. اینجا یک مفهوم انسان‌شناختی وجود دارد؛ یعنی انسان باید و می‌تواند برای اندیشیدن فارغ از تعلقات باشد. در واقع ما از آزادی انسان برای اندیشیدن سخن می‌گوییم.

آزادی و آزاداندیشی

آزادی موهبتی الهی که باعث بروز استعدادها و تکامل انسان است. بر این اساس آزاداندیشی حق هر انسان و احترام به کرامت انسانی است. [7]

آزاداندیشی و تفکر از مختصات اساسی دین اسلام است. [8] دلیل این مدعا آیات فراوان قرآن مجید است که با عبارات

^۱ . Libertyanxiety.

گونگون دستور به تفکر و تعقل می دهد. از دیدگاه قرآن بیان واقعیات و حقایق، چه در قلمرو مادی و چه قلمرو معنوی، نه تنها آزاد، بلکه واجب است [۹] و اگر کسی کوتاهی کند و حق را کتمان نماید، مورد سرزنش قرار می گیرد. [۱۰] اسلام پیروان خویش را به آزاداندیشی و نداشتن جمود فکری و تعصب فرا می خواند [۱۱] و شرط ایمان و مسلمانی را آزادی عقیده و اندیشه انسان می داند. [۱۲] دلبستگی روح بشر به هرگونه عقیده و ایمان هنگامی طبیعی و ارزنده است که از آزادی کامل برخوردار باشد.

در روایات و تعالیم شیعی آزادی و آزاداندیشی جایگاه ویژه ای دارد. حضرت علی (ع) به فرزندانش، حسن (ع)، می فرماید: «هرگز بنده دیگری مباش، در حالی که خداوند سبحان تو را آزاد آفریده است.» [۱۳] اگر به سیره معصومان (ع) توجه کنیم آنها، نه تنها در قالب نظر، بلکه در قالب عمل نیز پیروان خویش را به آزاداندیشی فراخوانده اند. مجلس درس امام صادق (ع) در مسجد مدینه جلوه ای عظیم از ظهور و بروز آزادی اندیشه است؛ به گونه ای که در مجلس درس امام صادق (ع) از همه فرق و مذاهب حضور می یافتند و آزادانه اظهار نظر می کردند. [۱۴] در تمام احتجاجات ائمه یک اعتدال و ملاحظه کرامت انسانی و حق آزادی اندیشه برای طرف مقابل می بینیم. برخی آیات قرآن حاکی از آن است که پیامبر (ص) در مدینه با اهل کتاب مناظره می کرد و آنها آزادانه عقیده خود را ابراز می کردند. [۱۵] خوارج، در دوران خلافت علی (ع)، تندترین انتقادات را در مسجد کوفه به حضرت می کردند تا جایی که برخی از اصحاب برآشفتند؛ ولی علی (ع) اجازه برخورد با آنان را نداد و به خوارج اجازه داد آزادانه نظرات خود را مطرح کنند. مورد دیگر در این باره حکایتی است که مفضل - از شاگردان امام صادق (ع) - نقل می کند: «ابن ابی العوجا یکی از زنادقه بود. روزی نزدیک قبر رسول الله (ص) گفت: درباره عظمت کسی که در اینجا مدفون است درشگفتم که چه کرده است، چگونه بر گردن مردم افسار زده است؟ در پنج وقت صدای شهادت به پیامبری او بلند است، و آغاز به کفرگفتن کرد. مفضل نتوانست تاب بیاورد و با خشم فریاد کشید: ای دشمن خدا، در مسجد پیامبر چنین سخنانی می گویی؟! ابن ابی العوجا پرسید: تو از کدام نحله کلامی هستی؟ اگر از اصحاب جعفر بن محمدی، ما همین سخنان و بالاتر از اینها را در حضور خود او می گوئیم و او با کمال مهربانی به سخنان ما گوش می سپارد؛ چندان که ما گمان می کنیم که تسلیم حرف های ما شده است. سپس، با سعه صدر به ما پاسخ می دهد؛ دلیل ما را باطل، و حجت را بر ما تمام می کند و راه بهانه جویی را می بندد و ما نمی توانیم پاسخش را رد کنیم؛ پس تو اگر از اصحاب او هستی با ما بحث کن.» [۱۶]

مرز آزاداندیشی

برخی آزاداندیشی را با رهایی و آزادی در اظهار هر اندیشه های خلط کرده و آن را دستاویزی برای تمسک به ارزش های لیبرالی قرار می دهند. در حالی که آزاداندیشی به معنای آزادی در اندیشیدن است نه اظهار هر آنچه می اندیشیدیم. [۱۷] نه آنهایی که به دور آزادی اندیشه مرز قرار می دهند، و نه آنهایی که آزادی اندیشه را در بدون حد و مرز طلب می کنند، نمی توانند به آزاداندیشی کمک کنند. آزاداندیشی بدان معنا نیست که هر انسانی حق داشته باشد، به هرگونه، در تمام امور و مسائل نقد و بحث کند بدون آنکه کسی مانعی در برابرش قرار دهد یا اندازه ای برای این آزادی او قائل باشند. آزادی اندیشه، با وجود کمال اهمیت، نباید موجب اهانت به دیگران و بی احترامی به شرف و کرامت انسانی شود. همچنین تفکرکننده باید از هرگونه غرض ورزی و خودبینی دوری گزیند. [۱۸]

اهمیت و ضرورت آزاداندیشی

یکی از شرایطی که باعث پیدایش تمدن و دانش می‌شود، بهره‌مندی جامعه و نخبگان از آزادی است. [۱۹] دین، هنر، فلسفه، عرفان و دانش در شرایطی نسبتاً آزاد توانسته‌اند ظهور یابند و ظهور یک تمدن نیز با توجه به تحقق شرایطی است که آزاداندیشی در صدر آن می‌باشد [۲۰] زیرا به سبب آن آرای مختلف مطرح می‌شود؛ دانش و اندیشه رونق می‌گیرد و بشر رو به تکامل و پیشرفت می‌رود. [۲۱] در حقیقت معرفت و اندیشه ورزی در چنین بستری ممکن می‌شود. [۲۲]

رونق و پیشرفت هر انقلابی، افزون بر مسئولین اجرایی قوی، پشتوانه فکری اندیشمندان را نیاز دارد که در این مسئله نیز نیازمند فضای آزاد در جامعه و آزاداندیشی است؛ چنان‌که، پیشرفت علمی و اقتصادی غرب، از پشتوانه فکری اندیشمندانی چون دکارت و جان لاک و ... برخوردار بوده است. [۲۳] در حالی که مغرب زمین در عصر تاریک قرون وسطی، که آزاداندیشی دانشمندان سرکوب می‌شد، بدترین روزگار را می‌گذراند.

تمدن اسلامی، که چند سده پیشاهنگ تمدن‌های عالم بود، در نتیجه آزاداندیشی و بی‌تعصبی رو به رونق نهاد. این روحیه، نه فقط مناظرات کلامی و دینی را در قلمرو اسلامی ممکن می‌ساخت، بلکه سبب همکاری اهل کتاب با مسلمانان در حوزه علم و دانش گردید. در بیت‌الحکمه بغداد، [۲۴] بسیاری از مترجمان آثار یونانی، سریانی و هندی، غیرمسلمان بودند. در دوران رونق تمدن اسلامی دانشمندان با ملیت، زبان و حتی دین مختلف، در کنار یکدیگر، فعالیت علمی داشتند و حاکمیت هم آنان را تحمل می‌کرد [۲۵] این رمز شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و هنر مسلمانان بود که از همه دانشمندان و نوابغ حوزه سرزمینی خود بهره می‌گرفتند. در واقع، همین تسامح و فضای آزاد سیای فرهنگی بود که در اسلام، بین اقوام و امتهای گوناگون، همکاری لازم برای پیشرفت تمدن واقعی، را به وجود آورد و همزیستی مسالمت‌آمیز عناصر نامتجانس را ممکن ساخت. [۲۶] در این دوران تمام مذاهب می‌توانستند افکار و اندیشه‌های خود را مطرح کنند. بسیاری آزادانه در مجامع اسلامی حرف‌های خود را می‌زدند و کتب «احتجاج» در برابر همین مباحث پدید آمد. [۲۷]

بررسی‌های تاریخی گویای این نکته است که حکومت‌های پیشرفته اسلامی، دستکم، در زمینه میدان‌دادن به علم و اندیشه و فراهم‌ساختن آزادی عمل لازم برای اندیشه‌ورزان، با سعه صدر عمل کرده‌اند. به عنوان نمونه، تحمل شنیدن سخنان مخالف و تساهل و تسامح، که از ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی امیران سامانی بود، از عوامل اصلی رشد صراحت بیان دانشوران آن دوره بود. [۲۸] بر اثر فضای آزاداندیشی از طرف سامانیان (۲۷۹-۳۸۹ق) جوئی از امنیت فکری پدید آمده بود، که هر صاحب عقیده‌ای می‌توانست عقاید قلبی خود را به زبان آورد؛ به طوری که، وقتی ابوطیب طاهر، نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۱ق) را هجو کرد [۲۹] و امیر از آن آگاه شد، چنان بزرگوارانه با او برخورد کرد که ابوطیب، از پیش وی شرمسار درآمد و از هجو کردن توبه کرد. [۳۰] بی‌شک، اگر در حکومت سامانیان چنین فضای آزاداندیشی نبود، عقاید و آرای گوناگون رشد نمی‌کرد و تقریب اندیشه‌ها و دادوستد فکری امکان‌پذیر نمی‌گشت و رنسانسی که در این دوران پدید آمد، تحقق نمی‌یافت.

موانع آزاداندیشی

۱- مهم‌ترین مانع آزاداندیشی «تحجر و استبداد» است. به فرموده حضرت علی (ع) استبداد عامل هلاکت است. [۳۱] گردبادی

که از عدم تسامح و تعصب کور فراهم می‌آید، ریشه علم را می‌زند و به اجتهاد و بیان ایده‌های نو آسیب وارد می‌سازد. حکومت استبدادی که عرصه را برای اندیشمندان و مراکز تولیدکننده اندیشه تنگ می‌سازد [۳۲] و هر نوع سخن، نظریه و اندیشه جدیدی را تهدید برای خود تلقی می‌کند و آنها را برنمی‌تابد، قطعاً در حوزه تولید دانش پیش نخواهد رفت. در نتیجه، زمینه برای بهره‌مندی جامعه و حکومت از عقل و علم دانشوران و عالمان فراهم نخواهد گردید. [۳۳]

وقتی حکام خودکامه و حکومت‌های استبدادی به علم و عالم مجال نمی‌دهند و آنها را ارج نمی‌نهند، باعث هجرت نخبگان و اندیشمندان می‌شوند. معضل فرار مغزها که در بیشتر جوامع استبدادزده جهان سومی هر روز در حال وقوع است، به خوبی عمق و تأثیر این فاجعه را نشان می‌دهد. عبدالرحمان کواکبی در طبایع الاستبداد می‌نویسد: غالباً مردان استبداد، اهل علم را عقب نموده، گزندشان رسانند. پس خوشبخت از ایشان کسانی باشند که بتوانند از دیار خویش هجرت نمایند و همین سبب بود که تمامی انبیاء عظام و اکثر دانشمندان اعلام و ادباری باهوش، از بلادی به بلادی درافتاده، در غربت بمردند. [۳۴]

سیاست‌های استبدادی حکومت‌های خودکامه حتی اگر به فرار مغزها و هجرت دانشمندان نیز منجر نشود، به انزوا و حاشیه‌نشینی آنان خواهد انجامید. در چنین وضعیتی، بی‌اعتنایی حکومت به متفکران و ارج نهادن به نظریات و اندیشه‌های آنان و نیز قرارنگرفتن آنها در جایگاه واقعی‌شان، خسارات جبران‌ناپذیری در پی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها کناره‌گیری آنان از فعالیت‌های علمی و حتی اجتماعی خواهد بود.

در طول تاریخ هر جا که با زوال یک تمدن روبرو می‌گردیم، یکی از مهم‌ترین دلایل آن استبداد و کنارنهادن عالمان آزاداندیش بوده است. تولید اندیشه و دانش محصول تکاپوی اندیشه‌ها و تضارب آراست. دوره خیز تمدن اسلامی نیز در دوره فراز آزادی اندیشه و انحطاط آن در دوره فرود آزادی اندیشه است. [۳۵] از زمانی که حکام مستبد در جوامع اسلامی روی کار آمدند و به مبارزه با اندیشه‌های آزاد فکری و مباحث کلامی و عقلی دانشمندان و طرد آنان دست زدند، افول تمدن اسلامی آغاز شد. [۳۶]

سیطره حکومت‌های متعصب در مذهب خاص و ترویج نقل‌گرای به جای عقل‌گرایی ضربه‌ای جدی بر فرهنگ و تمدن اسلامی زده است. روی کار آمدن سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ق)، پس از دوران مترقی سامانیان (۲۷۹-۳۸۹ق) و آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق)، بازار اندیشه و ادب و علوم عقلی را سست کرد. پیش از آن دانشمندان، از هر مذهب و مکتبی، آزادانه نظرهای خویش را ابراز می‌کردند، در حالی که، در دوران سلاجقه، بویژه با تأسیس نظامیه‌ها، [۳۷] تنها عالمان شافعی با تفکر اشعری مورد توجه بودند. مدارس نظامیه، با آن همه شهرت و اعتبار، که بعدها الگی ساخت نخستین دانشگاه‌های مغرب‌زمین شد، چون که بر مدار تعصب می‌چرخیدند، آن‌گونه که باید و شاید بالندگی تمدن اسلامی را در پی نداشت؛ بلکه، به تدریج، باعث مجادلات مذهبی، کشمکش‌های فرقه‌ای و شعله‌ور شدن کینه‌های مذهبی و تاریک‌شدن فضای علمی جامعه گردید و پیرو آن، باب اجتهاد و آزادی فکری در مسائل دینی بسته شد. این فضای بسته باعث رکود اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در جهان اسلام و در نهایت ایستایی حرکت تمدن اسلامی گردید؛ به طوری که، در سده‌های بعد، از تعداد اندیشمندان کاسته شد و اگر اندیشمندانی هم ظهور کردند، نظرات نوین خود را پنهانی و به دشواری عرضه می‌نمودند. نمونه بارز آن صدرالمتألهین است که مدتی از عمرش را در کنج عزلت و انزوا گذرانید و فرصت و آزادی مناسب برای اظهار نظراتش نیافت، به گونه‌ای که گویا کتاب اسفار اربعه وی در زمان

خودش انتشار نیافت و پس از فوتش، بنا به وصیت، آثارش را از داخل چاهی درآوردند! یعنی فضای بسته معرفتی باعث شد حداقل در دوره زمانی خود ملاصدرا از وجود وی بهره چندانی نبرند. [۳۸]

۲- از آفات و محدودیت های آزاداندیشی باقی ماندن متفکران بر مفروضات و پیش فرض هایی است که جلوی نوآوری را می گیرد. بسیاری از کشفیات، که در تاریخ تمدن بشری به نام غربی ها ثبت است، حاصل تلاش اندیشمندان مسلمان بود، ولی چون بسیاری از آنها جرئت عبور از پیش فرض های رایج را نداشتند، از اظهار نظر می هراسیدند. به عنوان نمونه اندیشمندان مسلمانی چون یوحنا بن ماسویه و ابن طفیل به نادرستی پیش فرض رایج زمین مرکزی بطلمیوس پی برده بودند ولی جسارت عبور از آن و بیان دیدگاه جدید خود را نداشتند [۳۹] و نتیجه آن ثبت نظریه گردش زمین به دور خورشید برای دانشمندان غربی چون گالیله و کپلر و کپرنیک شد. [۴۰] قرآن کثرت را ملاک پذیرش نظری نمی داند [۴۱] و پیروی از اکثریت و قناعت کردن به اندیشه های آنان مذمت شده است. پس نباید صرفاً چون نظریه های غالب است و اکثریت طرفدار آن هستند پذیرفته شود. اساس قرآن بر سرزنش کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از ابناء و گذشتگان هستند و تعقل و تفکر نمی کنند تا خود را از این اسارت برهانند. [۴۲]

به نظر می رسد حتی در حوزه مسائل دینی و مذهبی نیز ما نباید پیش فرض برای متفکرین و پژوهشگران تعیین بکنیم؛ چرا که این مسئله نبوغ اهل علم را از بین می برد. متأسفانه در بسیاری از حوزه ها، ذهن پژوهشگر را می بندیم و، با ایدئولوژیکی کردن حوزه های پژوهشی، می خواهیم آن را به مسیری هدایت کنیم که نتیجه دلخواه تأمین شود که این غلط است و باب اجتهاد را می بندد.

۳- برچسب های سیاسی و اجتماعی که به طراحان اندیشه های نو زده می شود، دیگر مانع آزاداندیشی است. گاه در جامعه ما وقتی حرفی زده می شود، آن را به حزب و باند سیاسی مربوط می کنند و تحمل، برای حرف های متفاوت، خیلی محدود است. باید در مراکز علمی حریت فکری باشد و اجازه دهیم اهل علم آزادانه حرفهایشان را بزنند، نه اینکه دانش در اختیار قدرت سیاسی قرار گیرد.

۴- از دیگر عوامل عدم آزاداندیشی، که از مهم ترین عوامل فقر علمی نیز جامعه محسوب می شود، جایگزین شدن «تخویف» به جای «تحلیل» است که نتیجه آن خودسانسوری می باشد. [۴۳] به این معنا که نخبگان علمی از ترس اینکه اگر حرف نویی را بزنند جامعه علمی با آن ها چگونه برخورد خواهد کرد، از اظهار نظر خودداری می کنند. استاد مطهری با ابراز گلایه از این روحیه در میان روحانیت شیعی می نویسد: «چرا اساساً در میان ما [روحانیت شیعی] سکوت و سکون و عادت بر حریت و تحرک ترجیح دارد و هر کس که بخواهد مقام و موقعیت خود را حفظ کند، ناچار زبان در کام می کشد و پای در دامن می پیچید؟» [۴۴] این مسئله باعث می شود اعتماد به نفس در جامعه علمی ما پایین بیاید؛ و به همین جهت ممکن است جرقه های نویی در اذهان اهل علم، چه در حوزه و چه در دانشگاه، زده بشود، اما فقدان جرئت اجازه ی طرح آن و ابراز آن را نمی دهد.

راهکارهای تحقق آزاداندیشی در جامعه

- حال باید دید آزاداندیشی چگونه در یک جامعه پدید می آید و وظیفه نهادهای حکومتی در این باره چیست و به تعبیر بهتر راهکارهای تحقق آزاداندیشی در جامعه کدامند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.
۱. ویژگی یک جامعه علمی همان بسط و گسترش آزادی برای عالمان و اندیشمندان و افرادی است که اندیشه‌ای برای بیان و سخنی برای گفتن دارند. بالابودن ظرفیت حکومت از جنبه انتقادپذیری، برتافتن دیدگاه‌های دانشمندان و عالمان و میدان دادن به اندیشه‌های علمی نوین، و در یک کلام، تساهل علمی حکومت و رفتار کریمانه با متفکران در فراهم شدن زمینه‌های تولید دانش و اندیشه تأثیری انکارناپذیر دارد.
 ۲. نهادهای دولتی باید در نقش حامی و ناظر باشند، آن هم در چارچوب‌های تضمین شده. نظام سیاسی باید زمینه آزاداندیشی را فراهم آورد. [۴۵] ایجاد فضایی آرام و به دور از تنش برای اندیشیدن و سپس ارائه و نشر اندیشه و نظریه بدون واهمه، فراهم آمدن مقدمات بحث و مناظره، بررسی و نقد اندیشه و نظریه ارائه شده در فضای مناسب و منصفانه علمی و سرانجام حرکت به سوی تولید نظریه‌های استوار در حوزه نظام ارزشی و فرهنگی، همه در تقدم آزادی و بویژه آزادی اندیشه است که می‌بایست در جامعه علمی و سیاسی کشور محقق گردد.
 ۳. برای مقابله و برخورد با اندیشه‌های مخالف هم ابزار و روش‌های مشخص وجود دارد که باید عملی شود مانند: استدلال، نقد علمی و...؛ از این رو، روش‌های دیگر مثل تهدید و ارعاب و برچسب زنی نباید جایی داشته باشد. خط قرمز هم باید اقدام عملی باشد و ما نباید حتی از اظهار نظر مخالفان فکری خود ابایی داشته باشیم. [۴۶] استاد مطهری معتقد بود در دانشکده الهیات دانشگاه تهران باید یک مارکسیست بیاید نظرات مارکس را تدریس کند و در مقابل، اسلام‌شناسان به نقد او پردازند. [۴۷]. یعنی ایشان حتی برای بیان عقاید کمونیست‌ها هم مجالی قائل بود، ولی در عوض اندیشمندان مسلمان را به مطالعه و پاسخ به آنها فرا می خواند.
 ۴. توجه جدی به کرسی‌های آزاداندیشی و کرسی‌های نظریه‌پرداز. [۴۸] کرسی‌های آزاداندیشی در حوزه و دانشگاه محملی است که افراد بتوانند در یک فضای معقول در ارتباط با حوزه‌ها و موضوعات مختلف، بدون ترس و واهمه، به بحث و بررسی بنشینند و در این میان حقیقت است که خود رخ می نمایند. [۴۹] آزاداندیشی مقدمه نظریه‌پردازی است. بحث آزاداندیشی، یک حالتی است که می‌تواند برای همه اعم از دانشجو و استاد باشد و موضوعش معمولاً در حوزه‌های علوم انسانی است؛ در حالی که نظریه‌پردازی کار متخصصین است و افراد باید کارشناس و صاحب‌نظر باشند.
 ۵. علم در ذات و ماهیت خود محدودیت‌پذیر نیست. آزاداندیشی در علم بدین معناست که ما اجازه دهیم علم رشد ذاتی خود را داشته باشد و در برابر رشد آن، موانع خارجی ایجاد نکنیم. در مقام جمع‌آوری دانش باید ظرف فراخی آماده کرد تا هر چیزی از هر کسی و هر جایی در آن جای گیرد. در متون دینی، این مسئله مورد توجه قرار گرفته، تا آنجا که توصیه شده علم را از هر کس و هر جا فراگیرید. [۵۰] بنابراین بستن‌های درهای علم به روی خود به هر بهانه، محدودکردن ظرف پذیرش اندیشه‌های علمی است که در نتیجه تولید علم را نیز دچار محدودیت خواهد کرد.
 ۶. قناعت بر یافته‌های دیگران و انجام چشم‌پسته آنچه که دیگران می‌گویند، نتیجه‌ای جز وابستگی همیشگی فکری و مصرف

زدگی علم ندارد. هرچند شکستن فضای تسلیم و تقلید حاکم بر نهادهای علمی کشور، که مصرف‌کننده دانش ترجمه‌شده و تجربه‌گردیده غرب هستند، کار آسانی نیست، [۵۱] وابستگی فکری دانشمندان بایستی از بین برود و آنها با شجاعت و جسارت به ارائه نظرات نوین، ولو مخالف اندیشمندان غربی، بپردازند. به فرموده رهبر معظم انقلاب پس از انقلاب این تابو شکسته شده و باید آن را تقویت کرد و پیش رفت. ایشان در جمع اساتید و نخبگان دانشگاه‌ها می‌فرماید: «در حرکت علمی کشور مهم‌ترین اولویت تولید علم و جرأت برای گشودن افق‌های جدید و شکستن مرزهای علمی است.» [۵۲]

۷. احترام به اندیشمندان واجب است، ولی شخصیت‌پرستی و اعتماد کامل به نظرات اساتید پیشین درست نیست. اندیشمندان نباید از ترس از ناراحتی علما و دانشمندان دیگر طرح اندیشه‌های نو بترسند. اینکه ما بترسیم وارد حوزه نقد اندیشه‌ای بزرگان علمی و دینی بشویم غلط است. هرگاه بترسیم آزاداندیشی سرکوب شده است، نوآوری و اجتهاد از بین رفته است. بی‌شک اگر در حوزه فلسفه هم به ابن سینا و فلسفه مشاء بسنده می‌کردند و از نقد این مکتب می‌ترسیدند، مکتب اشراق و صدرایی پدید نمی‌آمد.

۸. توجه به نقد و نقادی: پایه و اساس تولید علم نقد و نقدپذیری است. چنان‌که حضرت علی (ع) فرمود: آرا و نظرات را با هم مقایسه و مقابله کنید، بعضی را به بعضی بزیند تا دیدگاه صحیح زاده شود. [۵۳] معرفت تاریخی به ما می‌گوید: یکی از مقوله‌های آزاداندیشی، جدی گرفتن نقد به عنوان یکی از راه‌های پویایی و حرکت است. پیش‌نیاز نقد شناخت است و شناخت نیز زمانی حاصل می‌شود که دریچه ذهن به روی اندیشه‌های مختلف گشوده شود. بی‌گمان اگر کسی نظریه خود را بر منع نقد استوار نماید و، بدون رویارویی و مقابله اندیشه خود با اندیشه دیگران، دائم بر صحت اندیشه خود استدلال آورد، نه پیشرفتی خواهد داشت و نه ابتکار و خلاقیتی. بیشتر نوآوری‌ها با نقادی آغاز می‌شود و نقدها سبب نوآوری‌اند. [۵۴] به تعبیر بهتر، نهضت آزاداندیشی بدون جنبش نقد راه به جایی نمی‌برد و آزاداندیشی به همان بدعت و ساختارشکنی بی‌منطق منجر می‌گردد. در واقع یکی از الزامات آزاداندیشی نقد عالمانه است.

تاریخ دینی، علمی، فرهنگی و تمدنی ما مشحون از تجربه‌های کامیاب از نقد و مناظرات علمی - عقیدتی و فرهنگی است. [۵۵] ابن سبّین، [۵۶] که به نقد آثار و اندیشه‌های علمای روزگار خویش و پیش از آن مشهور است، حتی از کسانی چون ابن رشد، [۵۷] به دلیل پیروی چشم‌پسته از ارسطو، و از غزالی، به دلیل تشویش آرایش و جابجایی نظرات فکری‌اش، انتقاد می‌کند. [۵۸] مورد دیگر اینکه، سه کتاب عظیم و ماندگار «تأسیس الشیعه لعلم الاسلامی»، «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و «النقود و الردود» در پاسخ به یکی از انتقادهایی که درباره پیشینه فرهنگی شیعه در کتاب تاریخ آدب اللغه العربیه، به قلم جرجی زیدان، نویسنده معروف فرانسوی، اظهار شده بود، نگاشته شده است. [۵۹]

نتیجه‌گیری

با مروری بر این نوشتار روشن می‌شود که تا چه اندازه آزاداندیشی برای انقلاب اسلامی و پیشرفت آن و ایجاد تمدن نوین اسلامی اهمیت دارد. جمهوری اسلامی ایران در حال حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و اهداف الهی حکومت است که در کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین حالت خود به منزلگاه مقصود، یعنی حکومت امام زمان (عج)، منتهی خواهد شد. در این مسیر همه

مردم موظفند برای افزایش عقلانیت فردی و اجتماعی آزادانه بیندیشند. پس آزاداندیشی هدف و مقصود نیست، بلکه وسیله و راهبرد است؛ از این رو، باید فضای گفتمانی برای رواج آن در جامعه مهیا شود و علاوه بر اندیشمندان، دولتمردان نیز برای تحقق آن در جامعه بکوشند.

اگر آزاداندیشی در کشور سکه رایج شود، بالندگی فکری و تولید علم در جامعه پدیدار می‌شود؛ چراکه تولید علم در بستر آزاداندیشی مهیا می‌شود و پیشرفت علمی هر کشوری هم مبتنی بر تولید علم در آن کشور است. لزوم توجه به تولید علم، به عنوان یک اصل بنیادی برای پیشبرد انقلاب، برهمگان روشن است. تکرار مباحث در تدوین و ترجمه هر کتاب یا مقاله جدید تولید علم نیست. تولید علم به معنی پدیدارشدن موضوعی است که در گذشته وجود نداشته و حالا می‌خواهد پدید آید و این تنها از مسیر آزاداندیشی به دست می‌آید. چراکه لازمه تولید علم در شاخه‌های مختلف به چالش کشیدن نظریات گذشته و بیان نظریات و ایده‌های جدید در حوزه‌های گوناگون است. از این رو، آزاداندیشی روح تولید علم است و علم در پرتو آزاداندیشی به حیات زایشگر خود می‌رسد و استمرار می‌یابد.

سخن پایانی اینکه، آزاداندیشی از مهم‌ترین مسائلی است که با بسترسازی آن در جامعه می‌توان روح پیشرفت دوباره را در کالبد بی‌رمق تمدن اسلامی دمید و تمدن نوین اسلامی را محقق ساخت.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۹، ۱۱ و ۱۴.
۲. امام خمینی، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی (ره)، تدوین و تنظیم مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۰۹.
۳. ر.ک: محمدرضا بشارتی و غلامرضا گودرزی، آزاداندیشی در نگاه مقام معظم رهبری، تهران، سخنوران، ۱۳۹۳.
۴. ابوذر مظاهری، افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی، اصفهان، آرما، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹.
۵. ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹.
۶. گفتگو با رضا غلامی، «مکتب آزاداندیشی معنا، مبنا و رسالت»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، ش ۵، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲، ص ۱۲۹-۱۳۰.
۷. محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، ترجمه و تفسیر فرمان مبارک علی(ع) به مالک اشتر، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۶۹، ص ۲۲۲.
۸. آیاتی مانند «لا اِکراه فی الدِّین» (بقره: ۲۵۶)، «أَنَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ، اِمَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) و «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّ مَنْ شَاءَ فَلْيُکْفُرْ» (کهف: ۲۹) بهترین مستندات برای نظر اسلام درباره آزاداندیشی است.
۹. محمدتقی جعفری، همان، ص ۲۳۳.
۱۰. آل عمران: ۷۱؛ بقره ۱۵۹.
۱۱. حسین عبدالمحمدی، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱، ص

۱۹۴-۱۹۵.

۱۲. انسان: ۳؛ آل عمران: ۶۴؛ زمر: ۱۷.

۱۳. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران، مرکز نشر آثار فیض الاسلام، ۱۳۷۲، نامه ۳۱؛ عبدالواحد بن محمد تیمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۱۷.

۱۴. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان. قم، موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹، ص ۳۵۲؛ اسدحیدر، امام صادق(ع) و مذاهب اهل سنت، ترجمه حسین سرانجام، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۷.

۱۵. آل عمران: ۲۰.

۱۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳م، ج ۵۷، ص ۵۸.

۱۷. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۶.

۱۸. محمدتقی جعفری، علم و دین در حیات معقول، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۳، ص ۸۴؛ همو، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۲۳۷.

۱۹. شریف لک زایی، «مناسبات آزادی و دانش»، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، دفتر دوم،

تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸.

۲۰. رضا داوری اردکانی، درباره علم، تهران، هرمس، ۱۳۸۶، ص ۵۲.

۲۱. مرتضی مطهری، همان، ص ۶؛ لک زایی، همان، ص ۲۶۸.

۲۲. عبدالکریم سروش، اخلاق خدایان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۶۹.

۲۳. عظیم حمزنیان، «نقش آزاداندیشی در تکوین تمدن اسلامی»، نشریه کیهان اندیشه، ش ۶۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، ص ۱۶۵.

۲۴. بیت الحکمه از بزرگ ترین مراکز علمی جهان اسلام در سده های نخست اسلامی است که در عهد هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق)، به تقلید از مدرسه جندی شاپور، در بغداد پایه گذاری شد و در دوران مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ق) به اوج خود رسید؛ ولی پس از آن از رونق افتاد. فعالیت اصلی این مرکز علمی ترجمه آثار فلسفی و علمی یونانی الاصل به زبان عربی بود.

۲۵. جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه. بیروت، دار مکتبه الحیاه، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۳۲۴.

۲۶. عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱، ص ۲۵.

۲۷. ر.ک: دائره المعارف تشیع، «الاحتجاج علی اهل اللجاج»، تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲۸. ر.ک: ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوسی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۸؛ مهدی گلجان، میراث مشترک: نظری اجمالی بر حوزه فرهنگ و تمدن شرق ایران و ماوراءالنهر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، ص ۵۹-۶۰.

۲۹. ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری، یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، قاهره، مطبعه السعاده،

- ۱۳۷۷ق، ج ۴، ص ۶۹.
۳۰. محمد بن علی ظهیری سمرقندی، اغراض السياسه فی اغراض الرياسه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۳۷۱-۳۷۲.
۳۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۲.
۳۲. لک زایی، همان، ص ۲۶۹.
۳۳. مسعود اخوان کاظمی، «سیاست، حکومت و تولید علم». مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳.
۳۴. عبدالرحمان کواکبی، طبایع الاستبداد، ترجمه عبدالحسین قاجار، به کوشش صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۴۴.
۳۵. داوری اردکانی، همان، ص ۱۱۸.
۳۶. حمزئیان، همان، ص ۱۶۴.
۳۷. نظامیه ها از نخستین نمونه مدارس دینی پیشرفته در جهان اسلام هستند که با نظامی خاص و سبکی نوین در شهرهای مهم مانند بغداد، نیشابور، اصفهان، بلخ، هرات و ... تاسیس شده بودند. بانی احداث این مدارس خواجه نظام الملک وزیر آلب ارسلان (۴۵۵-۴۶۵ق) و ملکشاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ق) است (در این باره ر.ک: نورالله کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳).
۳۸. ر.ک: سیدجلال الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰، ص ۶؛ محمد خواجهوی، انوارالعارفين فی احوال صدر المتألهين، تهران، مولی، ۱۳۶۶، ص ۴۲.
۳۹. فرانتز روزنتال، مناہج العلماء المسلمین فی البحث العلمی، ترجمه انیس فریحه، بیروت، دارالثقافه، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، ص ۱۰۵، ۱۵۳-۱۵۴.
۴۰. علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۶.
۴۱. انعام: ۱۱۶.
۴۲. بقره: ۱۷۰؛ مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۹، ص ۳۶.
۴۳. میان محمد شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه زیر نظر نصراله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۷.
۴۴. مرتضی مطهری، ده گفتار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۱۹۰.
۴۵. سروش، همان، ص ۸ و ۸۶.
۴۶. علی شریعتی، اسلام شناسی، مشهد، چاپخانه طوس، ۱۳۴۷، ص ۶۱.
۴۷. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۱.
۴۸. فرزاد جهان‌بین، «آزاداندیشی؛ پیشران تحقق اهداف انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، ش ۵ و ۴، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۴۹. ماهنامه معارف، «کرسی های آزاداندیشی و تفاوت آن با کرسی های نظریه پردازی»، قم، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ش ۸۹، دی و بهمن ۱۳۹۰، ص ۹۰.
۵۰. نهج البلاغه، حکمت ۷۷: مجلسی، همان، ج ۱، ص ۱۵۳.
۵۱. عطاءالله رفیعی آتانی، «نسبت جمهوری اسلامی با آزاداندیشی»، فصلنامه علوم انسانی، قم، مرکز پژوهش های علوم انسانی صدر، ش ۵، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲، ص ۸.
۵۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۹/۲۶.
۵۳. تمیمی آمدی، همان، ج ۲، ص ۲۶۶.
۵۴. رشاد، همان، ص ۱۰۸.
۵۵. رک: جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه، بیروت، دار مکتبه الحیاه، ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۳۵۶.
۵۶. ابن سبعین از دانشمندان اندلسی در قرن هفتم هجری است که به دلیل مواضع انتقادی اش، به ویژه علیه فلاسفه، در جهان اسلام شهرت یافت.
۵۷. فیلسوف نامدار اندلسی که در سال ۵۲۰ ق قرطبه زاده شد. وی به دلیل افکار خاص فلسفی و دینی اش همواره مغضوب و مورد انتقاد علمای زمانش بود. ابن رشد در سال ۵۹۵ در مراکش از دنیا رفت.
۵۸. جورج مقدسی، نشأه الکلیات: معاهد العلم عندالمسلمین و فی الغرب، ترجمه محمود سیدمحمد، جده، جامعه الملک عبدالعزیز، مرکز النشر العلمی، ۱۴۱۴ ق/۱۹۹۴ م، ص ۱۳۷-۱۳۸.
۵۹. جرجی زیدان مدعی شده بود که شیعه طایفه کوچکی است که کارنامه درخشان فرهنگی ندارد و تأثیر شیعیان در علوم اسلامی کم رنگ بوده است. این ادعا شیخ آقابزرگ طهرانی و دو تن از دوستانش، سیدحسن صدر و شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، را برانگیخت تا در نقد ادعای جرجی زیدان و معرفی شیعه و فرهنگ غنی شیعه آثاری بنگارند. علامه سیدحسن صدر نقش شیعیان در پایه شیعه گذاری علوم اسلامی را بیان نمود و با تدوین کتاب تأسیس الشیعه ثابت کرد بدون شیعه علوم اسلامی جایگاه امروزی خود را هرگز به دست نمی آورد. شیخ آقابزرگ طهرانی با کاویدن کتابخانه های بزرگ اسلامی داتره المعارف سی جلدی از آثار مکتوب شیعه به ما را الذریعه الی تصانیف الشیعه را پدید آورد و فعالیت ۱۳۰۰ ساله شیعیان را منتشر کرد و علامه محمدحسین کاشف الغطاء نیز به طور مستقیم به اصل اشکال زیدان پرداخت و، در نقد آداب اللغة العربیه جرجی زیدان، کتاب النقود و الردود را نوشت. به گواهی تاریخ پس از این آثار مشترک کمتر کسی ادعاهای از این مقوله را تکرار کرده است (محمدرضا حکیمی، شیخ آقابزرگ طهرانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا، ۲۲-۲۴).

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آشتیانی، سیدجلال الدین (۱۳۶۰). شرح حال و آراء فلسفی ملاصدر، تهران: نهضت زنان مسلمان،
۳. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۴). «سیاست، حکومت و تولید علم». مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم

- دینی، تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی (ره)). تدوین و تنظیم مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. بشارتی، محمدرضا و غلامرضا گودرزی (۱۳۹۳). آزاداندیشی در نگاه مقام معظم رهبری، تهران: سخنوران.
۶. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹). سیره پیشوایان. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۷. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. شرح جمال الدین محمد خوانساری، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۸. ثعالبی، ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۷۷ق). یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر. قاهره: مطبعه السعاده.
۹. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام؛ ترجمه و تفسیر فرمان مبارک علی (ع) به مالک اشتر. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۱۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۳). علم و دین در حیات معقول. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۱. جهان بین، فرزاد (۱۳۹۱-۱۳۹۲). «آزاداندیشی؛ پیشران تحقق اهداف انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، قم: مرکز پژوهش های علوم انسانی صدرا، ش ۵، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲، صص ۲۸۴-۲۸۷.
۱۲. حکیمی، محمدرضا (بی تا). شیخ آقابزرگ تهرانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. حمزئیان، عظیم (۱۳۷۵). «نقش آزاداندیشی در تکوین تمدن اسلامی»، نشریه کیهان اندیشه، ش ۶۷، مرداد و شهریور.
۱۴. حیدر، اسد (۱۳۹۰). امام صادق (ع) و مذاهب اهل سنت. ج ۱، ترجمه حسین سرانجام، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۵. خواجهوی، محمد (۱۳۶۶). انوارالعارفین فی احوال صدر المتألهین، تهران: مولی.
۱۶. دائره المعارف تشیع (۱۳۶۶). «الاحتجاج علی اهل اللجاج»، تهران: بنیاد اسلامی طاهر.
۱۷. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۶). درباره علم. تهران: هرمس.
۱۸. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲). «موانع نقد و نوآوری در حوزه دین پژوهی». نشریه کتاب نقد، ش ۲۶ و ۲۷، بهار و تابستان، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۱۹. رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۱-۱۳۹۲). «نسبت جمهوری اسلامی با آزاداندیشی». فصلنامه علوم انسانی، قم: مرکز پژوهش های علوم انسانی صدرا، ش ۵، زمستان و بهار.
۲۰. روزنتال، فرانز (۱۹۸۳/۱۹۴۰ق). مناهج العلماء المسلمین فی البحث العلمی. ترجمه انیس فریحه، بیروت: دارالثقافه.
۲۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۱). کارنامه اسلام. تهران: امیرکبیر.
۲۲. زیدان، جرجی (۱۹۸۳م). تاریخ آداب اللغة العربیه. بیروت: دار مکتبه النحیه.
۲۳. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰). اخلاق خدایان. تهران: طرح نو.
۲۴. شریعتی، علی (۱۳۴۷). اسلام شناسی. مشهد: چاپخانه طوس.
۲۵. شریف، میان محمد (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه در اسلام. ترجمه زیر نظر نصراله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۶. صدر، سیدحسین (۱۳۷۱/۱۹۵۷م). تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام. بغداد: دارالکتب العراقیه.
۲۷. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات ایران. تهران: فردوسی.
۲۸. طهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.
۲۹. ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۴۹). اغراض السیاسه فی اغراض الریاسه. تهران: دانشگاه تهران.

۳۰. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱). تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. قرآن مجید
۳۲. کسائی، نورالله (۱۳۷۳). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: امیرکبیر.
۳۳. کواکبی، عبدالرحمان (۱۳۶۴). طبایع الاستبداد. ترجمه عبدالحسین قاجار، به کوشش صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳۴. گفتگو با رضا غلامی، «مکتب آزاداندیشی معنا، مبنا و رسالت»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، قم: مرکز پژوهش های علوم انسانی صدر، ش ۵، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲، صص ۱۲۴-۱۳۱.
۳۵. گلجان، مهدی (۱۳۸۳). میراث مشترک: نظری اجمالی بر حوزه فرهنگ و تمدن شرق ایران و ماوراءالنهر. تهران: امیرکبیر.
۳۶. لک زایی، شریف (۱۳۸۴). «مناسبات آزادی و دانش». مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، دفتر دوم، تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۷. ماهنامه معارف (۱۳۹۰). «کرسی های آزاداندیشی و تفاوت آن با کرسی های نظریه پردازی». قم: نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ش ۸۹، دی و بهمن.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳/ق/۱۹۸۳م). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۹. مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۴). «بنیان های نظری آزاداندیشی دانشگاه مولد و نهضت تولید علم». مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، دفتر اول، تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). ده گفتار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۴۲. مطهری، مرتضی (بی تا). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. مظاهری، ابوذر (۱۳۹۳). افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی. اصفهان: آرما.
۴۴. مقدسی، جورج (۱۴۱۴/ق/۱۹۹۴م). نشأه الکلیات: معاهد العلم عندالمسلمین و فی الغرب. ترجمه محمود سیدمحمد، جده: جامعه الملک عبدالعزیز، مرکز النشر العلمی.
۴۵. نرم افزار حدیث ولایت (سخنرانی های مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای).
۴۶. نهج البلاغه (۱۳۷۲). ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران: مرکز نشر آثار فیض الاسلام.
۴۷. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۷). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: وزارت امور خارجه.